

ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری

نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت

شیده شکوری اصل*

چکیده

استفاده نکردن از فضاهای شهری به دلیل ناامن بودن آن‌ها نه فقط به کاهش جدی کیفیت محیط می‌انجامد، بلکه با اصل حقوق شهروندی نیز مغایر است. در پژوهش حاضر تلاش شده است به بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی بانوان و ویژگی‌های اجتماعی جامعه محلی با میزان تجربه ترس از جرم در محدوده محلات مخصوص و سلامت پرداخته شود. در این زمینه، به منظور گردآوری اطلاعات از تکنیک‌هایی مانند پیمایش میدانی، جلسات بحث متمرکز گروهی، مصاحبه عمیق، و پرسش‌نامه استفاده شده است. نتایج به دست آمده از رابطه مثبت و معنادار تجربه پیشین بزه‌دیدگی، نمره اضطراب کل، بی‌نظمی اجتماعی، تنوع خرده‌فرهنگی، و رابطه منفی و معنادار اعتماد به نیروی انتظامی، نوع پوشش، سرمایه اجتماعی، نظارت اجتماعی، و عدالت فضایی و اجتماعی با تجربه ترس بانوان از قربانی بزه شدن در فضاهای شهری حکایت دارد. هم‌چنین متغیرهای سن، تحصیلات، قومیت، رضایت اجتماعی، و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری با ترس از جرم ندارند.

کلیدواژه‌ها: امنیت، جرم، ترس از جرم، ویژگی‌های فردی زنان، اجتماع محلی، محلات مخصوص و سلامت.

۱. مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل مخل حضور ایمن و آسوده افراد در فضاهای شهری ترس

* دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، shdshakouri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳

۸۶ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

از تهدید انواع آسیب‌های اجتماعی و قربانی جرایم شدن است. این امر به‌ویژه درباره بانوان به دلیل آسیب‌پذیری بالاتر آن‌ها اهمیت دوچندانی دارد. چنان‌چه بانوان به دلیل احساس ترس در محیط از حضور در آن محیط خودداری کنند، آن محیط به تدریج پویایی خود را از دست خواهد داد.

توجه به این نکته ضروری است که میزان ترس از جرم در بانوان براساس ویژگی‌های شخصی و روانی آنان متفاوت است. به عبارت دیگر، میزان احساس امنیت یا ترس و ناامنی ادراک‌شده بانوان در یک محیط لزوماً یکسان نیست. هم‌چنین از آن‌جا که انسان موجودی اجتماعی است، میزان ترس و اضطراب درک‌شده در فضاهای شهری تابع ویژگی‌های اجتماع محلی نیز است؛ زیرا شهرها عرصه‌ای متمرکز از روابط اجتماعی را پدید آورده‌اند که همگی از نیازهای فردی و اجتماعی انسان نشئت گرفته‌اند. از همین رو، جوامع شهری هریک به توده‌های منافع رقابت‌آمیز و متضاد تبدیل شده‌اند. برخورد بی‌نظم با این منافع فقط به هرج و مرج و ناامنی می‌انجامد (Lloyd, 1977: 206 به نقل از صالحی، ۱۳۸۷).

با توجه به توضیحات فوق و نیز با توجه به جایگاه برجسته حضور ایمن بانوان در فضاهای شهری در سرزندگی این فضاها، پژوهش حاضر در پی آن است که رابطه میان برخی ویژگی‌های فردی و روانی بانوان (سن، تحصیلات، قومیت، نوع پوشش، نگرش درباره عملکرد نیروی انتظامی، ویژگی شخصیتی و روانی به لحاظ اضطراب «نمره اضطراب تست کتل»، و تجربیات پیشین بزه‌دیدگی) و ویژگی‌های اجتماعی جامعه محلی (بی‌نظمی و بی‌سازمانی اجتماعی، تنوع خرده‌فرهنگی، سرمایه اجتماعی، رضایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی و فضایی، و نظارت اجتماعی) با شدت و میزان ترس از جرم در فضاهای شهری محدوده محله‌های مخصوص و سلامت (واقع در منطقه ۱۱ شهر تهران) را بررسی کند تا با شناسایی این عوامل بتواند در راستای بهبود شرایط و بالا بردن میزان احساس امنیت و آرامش بانوان در عرصه عمومی شهرها گام‌های مؤثری بردارد.

این نوشتار از سه بخش اصلی تشکیل شده است: در آغاز به منظور آشنایی با حساسیت‌های نظری، پیشینه نظری پژوهش، ادبیات موضوع، و نظریه‌های مرتبط با موضوع مرور شده است و پس از تدوین چهارچوب نظری پژوهش، روش پژوهش بررسی شده است. در نهایت به بررسی نتایج حاصله در محدوده مطالعاتی و بحث و ارائه پیش‌نهادات درباره نتایج پرداخته شده است.

۲. مفاهیم نظری

۱.۲. پیشینه تحقیق

در حوزه علوم اجتماعی، خطرپذیری، احساس ناامنی، و ترس از جرم در میان زنان مانند هر مفهوم و اصطلاح دیگری فضاهای مفهومی متنوعی دارند که این تفاوت‌ها به رویکردی برمی‌گردد که محققان این حوزه اتخاذ کرده‌اند. با این وصف، تحقیقات انجام‌شده در این باره عمدتاً در سه دسته جای می‌گیرند:

۱. دسته اول در گروه تحقیقات جامعه‌شناختی قرار دارند که خطرپذیری، احساس ناامنی، یا ترس از جرم را به‌منزله متغیری وابسته در نظر می‌گیرند که تفاوت‌های موجود در میان افراد جامعه بررسی شده بر مبنای این صفات را به دسته‌ای از متغیرهای جامعه‌شناختی دیگر ربط می‌دهند و می‌کوشند نشان دهند با تغییر در وضعیت متغیرهای مستقل مد نظر تغییراتی در متغیر وابسته ایجاد خواهد شد. عمده این متغیرها عبارت‌اند از:
 ۱. احترام قائل نشدن مردان برای زنان (Jagori, 2010a)؛ ۲. تبعیض (Jagori, 2010b)؛ ۳. تبعیت نکردن از هنجارهای پذیرفته‌شده؛ ۴. قومیت؛ ۵. موقعیت خانوادگی؛ ۶. وضعیت اشتغال (Barnez, 2006)؛ ۷. ساختار (روند احاطه‌کننده ساختارهای اجتماعی)؛ ۸. هویت؛ ۹. عاملیت (Moser, 2004)؛ ۱۰. بی‌ثباتی؛ ۱۱. محرومیت؛ ۱۲. فقدان اطمینان؛ ۱۳. تجارب قبلی مورد خشونت قرار گرفتن (Koskela and Pain, 2000)؛ ۱۴. قومیت؛ ۱۵. فقر و محرومیت؛ ۱۶. اختلال در احساس تعلق و هم‌بستگی اعضای اجتماع (بوزان، ۱۳۷۸)؛ ۱۷. انزوا و آسیب‌پذیری اجتماعی؛ ۱۸. تسلط مردان و القای ترس (میرحسینی، ۱۳۸۷)؛ ۱۹. پنداشت از پلیس؛ ۲۰. میزان احساس تعلق خاطر به اجتماع؛ ۲۱. تنوع قومی و زبانی؛ ۲۲. پایگاه اجتماعی - اقتصادی (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵)؛ و ۲۳. سبک زندگی. ویژگی مشترک این متغیرها ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن‌هاست که شاکله اصلی تحلیل‌های جامعه‌شناختی درباره ریشه‌های ترس، ناامنی، و هم‌چنین خطرپذیری را تشکیل می‌دهند؛
۲. دسته دوم تحقیقات در زمره تحقیقات جرم‌شناختی قرار دارند. در این‌گونه تحقیقات معمولاً خشونت و آزار جنسی زنان کانون توجه است و متغیرهای فردی از قبیل ویژگی‌های ژنتیکی، خصوصیات شخصیتی، و صفات روان‌شناختی نقش متغیرهای مستقل را ایفا می‌کنند تا پراکندگی افراد اجتماعات بررسی شده براساس خشونت و آزار جنسی را تبیین کنند. روان‌شناسان و روان‌پزشکان در مطالعه بزه‌کاری، آن را با ترشحات داخلی بدن (به‌ویژه هورمون‌ها)، فعالیت‌های استثنایی مغز، عوامل درونی، و در مفهوم عام‌تر عوامل بیرونی مؤثر در فرد بررسی شده مرتبط دانسته‌اند (Buss et al., 1992)؛

۳. دسته دیگر تحقیقات بیش‌تر به عوامل محیطی به‌منزله زمینة شکل‌گیری خطرپذیری زنان پرداخته‌اند. در این تحقیقات معمولاً شرایط فیزیکی و ویژگی‌های فضاهای کالبدی در شهرها باعث می‌شوند که فضاهای بدون دفاع و آسیب‌زا شکل گیرد و استفاده از این فضاها برای زنان استرس‌زا و ترس‌آور باشد و میزان امنیت آن‌ها را کاهش دهد. این‌گونه تحقیقات بیش‌تر در زمره پژوهش‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری‌اند که ویژگی‌های فضاهای شهری را در میزان خطرپذیری افراد و به‌ویژه زنان مؤثر می‌دانند. با توجه به توضیحات ارائه‌شده درباره پیشینه و رویکردهای گوناگون در زمینة بررسی مقوله ترس از قربانی جرم شدن و احساس امنیت در بانوان بدیهی است که پژوهش حاضر در گروه نخست از تحقیقات معرفی‌شده قرار گرفته است و در پی شناسایی نوع و میزان تأثیرگذاری ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر احساس ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری است. به بیان دیگر، تلاش شده است از طریق بررسی نوع و میزان اثرگذاری ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر احساس ترس مدلی برای پیش‌بینی ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری فراهم شود.

۲.۲ امنیت در شهر و فضای شهری

در میان همه نیازهای بشر، نیاز به امنیت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی تعریف شده و جایگاه خود را در رأس نیازهای انسان قرار داده است. امنیت به نوعی پایه و بنیان زندگی جمعی و تشکیل اجتماعات کوچک اولیه و به‌دنبال آن شهرها را تشکیل داده است؛ چراکه زندگی فردی و یا حتی کوچکی اجتماعات آسیب‌پذیری آن‌ها را بیش‌تر می‌کند (صارمی و صارمی، ۱۳۹۰: ۷-۱۸).

با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، میزان ناهنجاری‌های شهری نیز افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که محیط اجتماعی و مسکونی افراد و ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی، و فقر اقتصادی زمینة بروز ناامنی شهری را فراهم آورده است (نصیری، ۱۳۸۲: ۹۰).

امروزه به‌دلیل پیش‌رفت، توسعه و تمدن، امنیت نقش مهم‌تری به خود گرفته و دامنه آن، همه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، و روانی زندگی انسان‌ها را در بر گرفته است. این تحولات گرچه مشکلات بسیاری از زندگی انسان‌ها را نسبت به گذشته بهبود بخشیده است، اما آمارها نشان از کاهش امنیت و افزایش ناامنی دارند. ناامنی‌های پیدا و پنهان، طبیعی و انسانی، در زندگی کودکان، زنان، مردان، و حتی سال‌خوردگان با شدت و ضعف دامن‌گیر تمام جوامع است (صارمی، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۱۸).

این امر ضرورت توجه به مقوله احساس امنیت در شهر و فضاهای شهری به منزله بستر شکل‌گیری زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی را دوچندان می‌کند. امروزه حضور بانوان ایرانی در فضاهای شهری در بسیاری از موارد همراه با ترس، اضطراب، و احساس ناامنی است. این امر نه فقط کاهش حضورپذیری و به تبع آن سرزندگی این فضاها را به همراه دارد، به نوعی مغایر با اصل عدالت اجتماعی نیز است.

۳.۲ ترس از جرم و قربانی بزه شدن

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حس امنیت افراد، به‌ویژه بانوان در فضاهای شهری، ترس از قربانی بزه شدن یا قربانی تعرض رفتارهای غیرمدنی و خشونت شدن است.

آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تبیین سطح امنیت، که با شاخص‌های مختلفی چون اعتیاد، انحرافات جنسی، سرقت، فقر و بی‌کاری تعریف شده است، می‌تواند امنیت محله‌های شهری را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و به برخورد و تضاد میان هنجارها و از هم پاشیدگی روابط متقابل بین افراد منجر گردد (نورایی و همکاران، ۱۳۹۲).

درحقیقت امنیت در ارتباط با جرم معنی پیدا می‌کند؛ گرچه از آن بسیار متمایز است. جرم با دو واژه مجرم و جنایت معنی پیدا می‌کند؛ در حالی که امنیت با دو واژه قربانی و ترس از قربانی شدن ارتباط پیدا می‌کند. هم‌چنین میان رفتارهای غیرمدنی و جرم باید تفاوت قائل شد؛ زیرا جرم اغلب در نتیجه نقض قانون اتفاق می‌افتد و میزان توسعه یافتن قانون مدنی در کشورها از جرم تعابیر متفاوتی دارد (Carmona et al., 2003: 119).

مشکل فقط جرم نیست، بلکه ترس از جرم با پیامدهایش نیز ممکن است جدی باشد. ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروزه به‌نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آنان تأثیر فراوانی بر جای می‌گذارد. ترس از جرم به‌منزله حوزه مطالعاتی از سال ۱۹۶۰ به‌رسمیت شناخته شده است. در دهه ۱۹۷۰ این حوزه نظر بسیاری از محققان را به خود جلب کرد؛ به‌ویژه زمانی که آن‌ها بررسی ارتباط مشخصه‌های جمعیت‌شناختی با ترس را آغاز کردند.

البته این مطالعات همواره بر جرم و قربانیان آن تمرکز داشت تا آن‌که در سال ۱۹۷۶ کلمته و کلایمان (Clemente and Kleiman) دریافتند که ترس از جرم و جنایت بسیار بیش‌تر از جرم و جنایت در جامعه مشکل‌ساز است و به‌شدت نیازمند تحقیق به‌صورت جداگانه از جرم می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

۹۰ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

بین (Pain) ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخ‌گویی‌های عملی و عاطفی افراد جامعه در برابر بی‌نظمی‌ها و جرایم رخ داده در آن تعریف می‌کند و بیان می‌کند که ترس از جرم مسئله‌ای انفرادی و فردی نیست که ویژگی بعضی از افراد باشد، بدان معنا که بعضی افراد دارای آن و بعضی فاقد آن باشند، بلکه بیش‌تر انتقالی و موقعیتی است. به عبارت دیگر، همه ما در دوران زندگی‌مان تحت تأثیر تجربیات و مناسبات اجتماعی در سایه‌ای از ترس حرکت می‌کنیم (Pain, 2000: 366).

ترس از جرم و جنایت باعث می‌شود آن‌ها که می‌توانند از مناطق مستعد جرم و جنایت دور شوند و آن‌ها که نمی‌توانند به خانه‌های خود عقب‌نشینی کنند. در نتیجه کنترلی که خود جامعه می‌تواند بر روی اعمال ضد اجتماعی یا خرده‌جنایی داشته باشد کاهش می‌یابد (استولارد، ۱۳۹۰: ۱۷).

الین (Ellin) می‌گوید اگر مردم از فضایی به دلیل ناراحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین می‌رود. در واقع ترس به نوعی به خصوصی‌سازی فضای عمومی منجر می‌شود، اما این بار فضا به سود جنایت‌کاران و مجرمان خصوصی شده است (Carmona et al., 2003: 120).

با توجه به توضیحات ارائه‌شده، بدیهی است که در راستای ارتقای سطح امنیت فضاهای شهری برای بانوان، شناسایی ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های اجتماع محلی تأثیرگذار در تجربه ترس از جرم (به‌منزله یکی از مهم‌ترین عوامل مانع حضور آسوده و ایمن افراد در فضاهای شهری) جایگاهی برجسته و ضرورتی انکارناپذیر دارد. بنابراین در ادامه به اختصار به معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های فردی و اجتماعی مد نظر این پژوهش (به‌منزله فرضیات اصلی پژوهش) پرداخته می‌شود.

۳. معرفی شاخص‌های بررسی شده در پژوهش و تدوین چهارچوب مفهومی

۱.۳ ویژگی‌های فردی

۱. سن: منظور از این متغیر سن تقویمی یا تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است. فرارو (Ferraro) معتقد بود که نمی‌توان ادعا کرد ترس از جرم در میان زنان بیش‌تر متعلق به جوانان است؛ این پدیده هم در جوانان و هم در پیران وجود دارد. آنچه در این دو گروه متفاوت است دلایلی است که برای ترس از جرایم ابراز می‌کنند (Ferraro, 1996: 669 به نقل از علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵)؛

۲. **تحصیلات:** سطح تحصیلات ممکن است نقش مهمی در ترس از جرم بازی کند. مطالعات در این زمینه نشان‌دهنده آن است که افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند کم‌تر از جرایم می‌ترسند و به نظر معقول است که تحصیلات را به‌منزله شاخصی مهم در سبک زندگی تلقی کنیم (Liska et al., 1988: 830 به نقل از سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲)؛

۳. **قومیت:** پژوهش درباره تأثیر قومیت و نژاد بر ترس از جرم در کشورهای گوناگون از دو منظر شایان بررسی است: نخست این‌که افراد با قومیت و نژاد مختلف، که در اقلیت به‌سر می‌برند، در مقایسه با دیگران ترس بیش‌تری از جرایم دارند و دیگر این‌که وجود این افراد خود باعث ترس بیش‌تر می‌شود (سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸)؛

۴. **اعتماد به نیروی انتظامی:** یکی از مهم‌ترین مباحث در زمینه امنیت فضاها شهریه کشمکش میان انحراف و کنترل اجتماعی است.

ناهم‌نوایی با هنجارها یا مجموعه‌ای از هنجارهای معین را «آسیب» می‌گویند. بر این اساس رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک رفتاری یک گروه خاص سازگاری نداشته باشد و اعضای جامعه آن را ناپسند و نادرست بدانند (ستوده، ۱۳۷۲: ۳۰).

«کنترل اجتماعی نیز درواقع عبارت است از کوشش سازمان‌یافته برای مهار کردن انحرافات اجتماعی» (کارگر و سرور، ۱۳۹۲: ۲۲۱). مقصود از نگرش به عملکرد نیروی انتظامی در این پژوهش، میزان رضایت افراد از رفتار اجتماعی و حرفه‌ای پلیس و کارایی آن در جامعه است. به‌نظر می‌رسد هرچه افراد در یک جامعه و محله اعتماد و رضایت بیش‌تری به عملکرد نیروی انتظامی داشته باشند، از قربانی بزه شدن ترس کم‌تری خواهند داشت؛

۵. **نوع پوشش:** در این پژوهش هم‌چنین تلاش شده است که معناداری رابطه میان نوع پوشش بانوان با میزان ترس از جرم بررسی شود. بر این اساس، بانوان به‌لحاظ نوع پوشش به دو گروه چادری و مانتویی تقسیم شده‌اند؛

۶. **نمره اضطراب کتل:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بانوان، که به‌نظر می‌رسد در نوع و میزان تجربه ترس آن‌ها از قربانی بزه شدن در فضاها شهریه تأثیرگذار است، مشخصات و ویژگی‌های گوناگون روانی آن‌هاست. افراد به‌لحاظ ویژگی اضطراب در سطوح مختلفی قرار می‌گیرند. به همین دلیل و برای سنجش رابطه میان ویژگی‌های روانی بانوان (به‌لحاظ اضطراب) و میزان ترس از جرم در فضاها شهریه در این پژوهش از آزمون استاندارد اضطراب کتل به‌منزله ابزار استفاده شده است. آزمون اضطراب کتل پرسش‌نامه‌ای ۴۰ آیتمی است و شامل پرسش‌هایی است که مردم روزمره با آن‌ها سروکار دارند. این آزمون نمره کل

۹۲ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

اضطراب، اضطراب پنهان یا آشکار، و میزان هشیاری یا هشیار نبودن افراد در برابر اضطراب خویش را به دست می‌آورد. پژوهش حاضر در پی یافتن صحت داشتن یا نداشتن این فرضیه است که افرادی که نمره اضطراب بالاتری دارند (براساس نتایج تست کتل)، میزان بیش‌تری از ترس از جرم در فضاهای شهری را تجربه می‌کنند؛

۷. **تجربیات پیشین:** تجربه‌های پیشین افراد یکی از عوامل مؤثر در ادراک آنان از پدیده‌های گوناگون است. چنین به نظر می‌رسد که رابطه مستقیمی میان تجربه قربانی بزه شدن و درک امنیت یا احساس ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری وجود دارد.

۲.۳ ویژگی‌های اجتماعی

۱. **بی‌نظمی و بی‌سازمانی اجتماعی:** بی‌نظمی هر جنبه‌ای از محیط فیزیکی و اجتماعی است که برای هر ناظری نشان‌دهنده کنترل نداشتن بر محیط و توجه نکردن به ارزش‌ها و خواسته‌های دیگرانی است که در فضا سهیم‌اند. بی‌نظمی‌ها تخلف از معیارهای اجتماع‌اند که فرسایش هنجارها و ارزش‌هایی را نشان می‌دهند که به‌طور سنتی پذیرفته شده‌اند (سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۸: ۲۳۲). «بی‌سازمانی اجتماعی عبارت از ضعف هنجارها در نظارت بر نقش‌ها و رفتارهای افراد اجتماع است» (بنی‌فاطمه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶). بنابراین کاهش وحدت و هماهنگی در جوامع از شرایط اولیه بی‌سازمانی اجتماعی است (Faris, 1948: 49) به نقل از بنی‌فاطمه و دیگران، ۱۳۹۱) و چنین به نظر می‌رسد که با افزایش بی‌سازمانی اجتماعی میزان جرایم و به تبع آن ترس از جرم افزایش یابد.

۲. **تنوع خرده‌فرهنگی:** «سارتلند (Sartland) معتقد است هرچه افراد با تعداد بیش‌تر و متفاوت‌تری در کنش متقابل باشند، احتمال ناهنجاری و بی‌نظمی آن‌ها بیش‌تر است» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۲).

هنگامی که جامعه حاوی تکثر گروهی و تنوع خرده‌فرهنگ‌ها باشد، اشخاص متفاوت به راحتی می‌توانند هم‌نوعان و هم‌کیشان خود را پیدا کرده و به آن‌ها بپیوندند. در این‌گونه جوامع کم‌تر فرد کج‌روی را می‌توان یافت که کاملاً منزوی باشد (کارگر و سرور، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

۳. **عدالت اجتماعی و عدالت فضایی:** عدالت فضایی یکی از مباحث مهم و مطرح در شهرهاست که در صورت برقرار شدن آن رضایت شهروندان و زندگی همراه با آسایش و آرامش را فراهم می‌کند. پراکندگی و توزیع متعادل جمعیت در مناطق شهرنشین نقش

مؤثری در عدالت فضایی دارد و این امر فقط از طریق توزیع متعادل و متوازن کاربری‌ها و خدمات شهری برای شهروندان حاصل می‌شود (وارثی و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۴).

استقرار پایه‌های عدالت اجتماعی و عدالت فضایی بدون شک امنیت را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. فرصت‌های برابر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، و آموزشی، تخصیص و توزیع متوازن امکانات و منابع شهری، مبارزه با زمینه‌های بروز جدایی‌گزینی اکولوژیکی و اجرای قانون و مقررات شهری برای همه افراد، شهروندان را نسبت به جامعه و روند اداره آن خوش‌بین ساخته و زمینه تقویت مؤلفه‌های امنیت - در کلیه شئون زندگی - را به ارمغان می‌آورد (کارگر و سرور، ۱۳۹۰: ۲۱۷)؛

۴. مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، و روستا شرکت می‌کنند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). به‌عبارت دیگر، مشارکت به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در اقدامی جمعی است. در این پژوهش مشارکت به معنی مداخله و سهیم شدن افراد در موقعیت‌های لازم به‌منظور ایجاد، حفظ، و گسترش امنیت اجتماعی در جامعه است؛

۵. سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌های گوناگون ساختار اجتماعی است که کنش جمعی و روابط میان افراد جامعه را ترویج و تشویق می‌کند. جیمز کلنن (James Coleman) این شکل از سرمایه را سرمایه و منابعی می‌داند که افراد و گروه‌ها آن را از طریق پیوند با یک‌دیگر و با توجه به میزان و شدت ارتباطات خود به‌دست می‌آورند (Coleman, 1988 به نقل از جهانی دولت‌آباد و چمنی، ۱۳۹۳).

برخی از محققان نیز این عبارت را به‌منزله منبعی می‌دانند که کنشگران از طریق ارتباط با دیگر اعضا در گروه‌ها، شبکه‌ها یا سازمان‌ها به‌دست می‌آورند (Smith, 2005: 4 به نقل از جهانی دولت‌آباد و چمنی، ۱۳۹۳).

در طبقه‌بندی ای کلی در نظریه‌های سرمایه اجتماعی دو رویکرد فردی و جمعی تشخیص داده می‌شود:

۱. رضایت اجتماعی: بحث رضایت، به‌ویژه رضایت از زندگی و شرایط آن، از شاخص‌های مهم اجتماعی است. دورکیم (Durkheim) در زمینه رابطه میان انسان و نیازها و اهداف یا آرزوهایش معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود می‌شود. با از هم پاشیدگی هنجارها

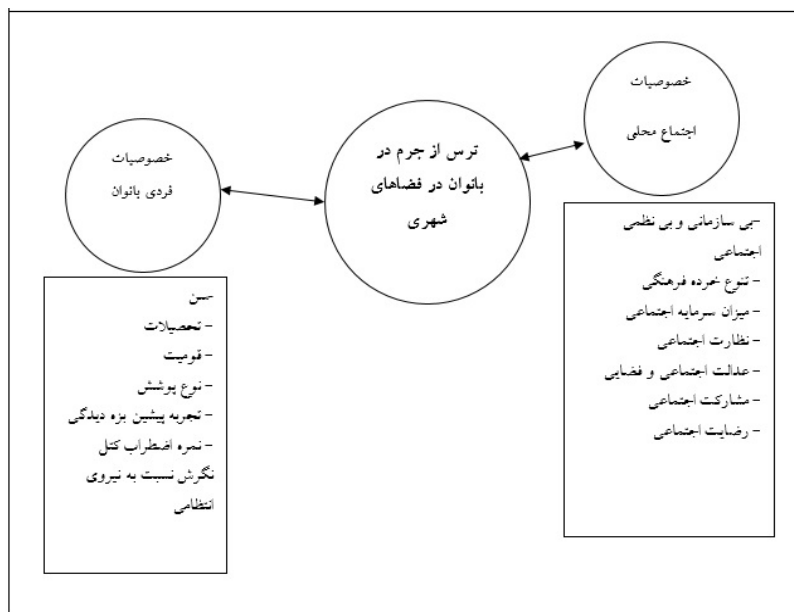
۹۴ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

(و بنابراین از بین رفتن کنترل آرزوها) آنومی یا وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر (unlimited aspirations) پدید می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد طبیعتاً ارضا و اشباع نمی‌شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی ایجاد می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸).

کم‌رنگ شدن تعهدات ارزشی، بی‌تفاوتی اجتماعی، احساس سرخوردگی، و درنهایت بی‌هنجاری اجتماعی از جمله پیامدهای نارضایتی اجتماعی است.

۲. نظارت اجتماعی: نظریه‌های مختلف کاهش فرصت ارتکاب به جرم از طریق طراحی محیطی بر نقش نظارت اجتماعی به‌منزله بازدارنده‌ای مهم از رفتارهای آنومیک تأکید کرده‌اند. براساس نظریه انتخاب منطقی، مجرمان و بزه‌کاران موقعیت‌هایی را برای ارتکاب جرم انتخاب می‌کنند که کم‌تر احتمال دیده شدن داشته باشند. بنابراین چنین به‌نظر می‌رسد که نظارت اجتماعی از طریق فرصت‌ها و انگیزه‌های مجرمانه بر میزان ترس بانوان از قربانی جرایم شدن در فضاهای شهری تأثیرگذار باشد.

با توجه به توضیحات ارائه‌شده درباره مهم‌ترین ویژگی‌های فردی و اجتماعی، که به‌نظر می‌رسد در تجربه ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری تأثیرگذارند، چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر مطابق نمودار ۱ در نظر گرفته می‌شود:



نمودار ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش (نگارنده، ۱۳۹۴).

در بخش‌های بعدی این پژوهش فرضیه‌های این پژوهش درباره رابطه هفت مؤلفه فردی و هفت مؤلفه اجتماعی ارائه شده در مدل فوق با ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری بررسی خواهد شد.

۴. روش تحقیق

نوع کاوش انجام شده در این پژوهش به لحاظ کارکرد، بنیادی؛ به لحاظ هدف، اکتشافی و بر مبنای داده‌های اولیه و اطلاعات کمی و کیفی است. در پژوهش حاضر از هر دو گروه روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است.

نخست مفاهیم پایه و اولیه و همچنین نظریات مرتبط با موضوع مطالعه شده‌اند. پس از ایجاد حساسیت نظری ناشی از مرور نظریه‌ها و نیز پس از مشاهده و پیمایش میدانی محدوده مطالعاتی، به منظور شناسایی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و عوامل ایجادکننده احساس ترس، ناامنی، و استرس در بانوان در عرصه عمومی و فضاهای شهری محدوده مطالعاتی، هشت جلسه بحث متمرکز گروهی (focus group) با حضور بانوان محله تشکیل شده است. هر جلسه ده تا دوازده نفر شرکت‌کننده داشته است و یک ساعت و نیم تا دو ساعت به طول انجامیده است. همچنین درباره شناسایی مؤلفه‌های اجتماعی تأثیرگذار در ترس از جرم و ویژگی‌های جامعه محلی محدوده مطالعاتی از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و مسئولان محدوده مطالعاتی (کارشناسان و مسئولان شهرداری منطقه ۱۱، سرای محله مخصوص، سرای محله سلامت، فرهنگسرای انقلاب اسلامی و ...) استفاده شده است. در نهایت پس از تکمیل مراحل بخش کیفی پژوهش و براساس یافته‌های حاصل از جلسه‌های بحث متمرکز گروهی و مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته، برای جلوگیری از تعمیم شتاب‌زده یافته‌ها و نیز نظرسنجی از تعداد بیشتری از بانوان محله و فراهم کردن امکان کمی کردن نتایج به منظور تحلیل ریاضی و آماری روابط میان متغیرها، چهارچوب پرسش‌نامه‌ای طراحی شده است. در این پرسش‌نامه تلاش شده است مهم‌ترین ویژگی‌های فردی و اجتماعی (تشکیل‌دهنده فرضیات اصلی پژوهش) و رابطه آن‌ها با ترس از جرم در قالب گویه‌های گوناگون بررسی شوند. برای پاسخ به پرسش‌ها از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (Likert) استفاده شده است. نخست تعداد ۵۰ پرسش‌نامه اولیه در محدوده توزیع شده است و با قرار دادن پرسش‌های باز در پرسش‌نامه اولیه تلاش شده است از تحمیل نظرها به پاسخ‌دهندگان جلوگیری شود. پس از سنجش نتایج پرسش‌نامه‌های اولیه و با توجه به جواب پرسش‌های باز، گزاره‌های پرسش‌نامه بررسی شده است و پرسش‌نامه نهایی برای

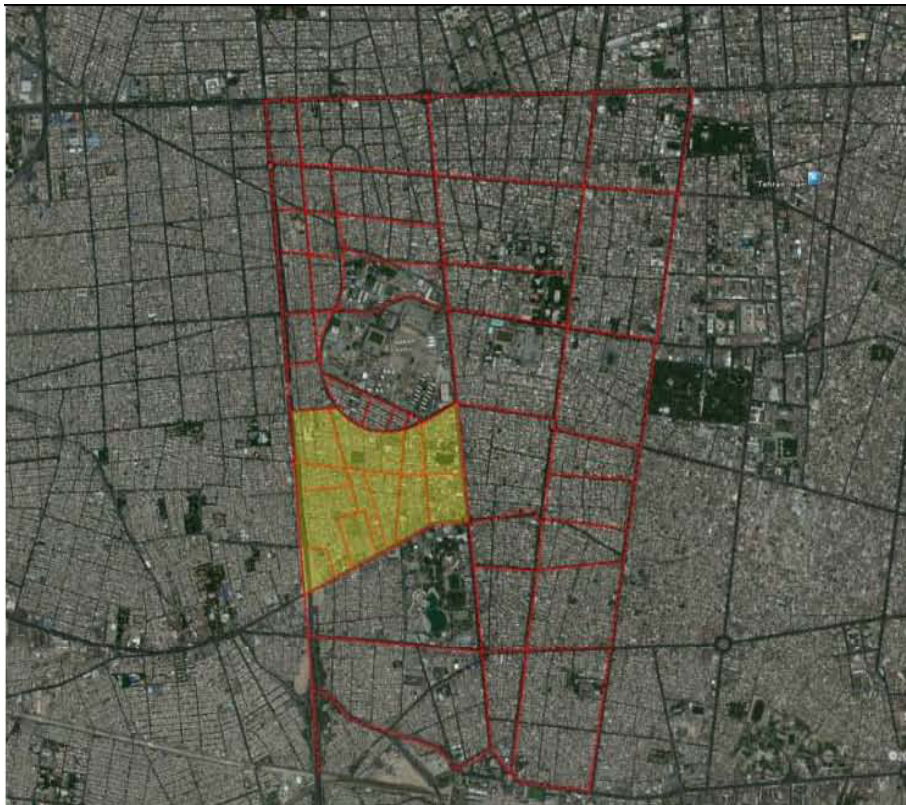
۹۶ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

سنجش نوع و میزان اثرگذاری ویژگی‌های مختلف فردی و اجتماعی بر احساس ترس از جرم در بانوان تدوین شده است. برای اثبات پایایی (reliability) پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ (cronbach's alpha) و برای اثبات روایی (validity) بخش‌های مختلف پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی (factor analysis) استفاده شده است. هم‌چنین حجم جامعه نمونه براساس فرمول کوکران (cochran) ۲۰۰ تعیین شده است. افزون بر این، به‌منظور سنجش رابطه میان ویژگی‌های روانی بانوان به‌لحاظ اضطراب با میزان ترس از جرم (به‌منزله یکی از فرضیه‌های پژوهش) از تست استاندارد سنجش اضطراب کتل (cattel) استفاده شده است. این تست از ۴۰ پرسش تشکیل شده است که با تعیین نمره اضطراب کل، اضطراب پنهان، و اضطراب آشکار افراد می‌توان آن‌ها را به گروه‌های مختلف شخصیتی به‌لحاظ ویژگی اضطراب تقسیم کرد. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند و گفتنی است که ۲۰۰ بانوی پرسش‌شونده به پرسش‌های هر دو پرسش‌نامه محقق‌ساخته و پرسش‌نامه استاندارد کتل پاسخ داده‌اند. درنهایت برای تحلیل نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها از روش‌های تحلیل رگرسیون چندگانه (multiple regression)، رگرسیون با ضریب هم‌بستگی پیرسون (pearson correlation coefficient)، آزمون t تک‌گروهی (t-test)، آزمون کولموگروف-سیمرنف (kolmogrov-smirnof test) و ... استفاده شده است.

۵. معرفی محدوده مطالعاتی

محدوده مطالعه‌شده پژوهش حاضر در ناحیه ۳ منطقه ۱۱ شهرداری تهران، حد فاصل خیابان‌های کمیل و کمالی در شمال، خیابان قزوین در جنوب، بزرگراه نواب در جهت غربی و خیابان کارگر در جهت شرقی قرار گرفته است. محله سلامت (دخانیات) قسمت غربی محدوده و محله مخصوص قسمت شرقی آن را پوشش می‌دهد. خیابان خرمشهر مرز میان دو محله است. مساحت این محدوده ۱۰۹/۰۵ هکتار است. براساس اطلاعات به‌دست آمده از نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، تعداد ۳۱۲۰۹ نفر در محدوده مطالعه‌شده زندگی می‌کنند.

محدوده مطالعاتی کیفیت کالبدی نازلی دارد. کیفیت نامناسب کالبدی ابنیه، فقدان مبلمان شهری مناسب، نورپردازی ضعیف کوچه‌ها و معابر و وجود اماکن و فضاهای بدنام و نیز وجود فضاهای غیرقابل دفاع از ویژگی‌های کالبدی محدوده مطالعاتی‌اند که مستقیم یا غیرمستقیم بر حس امنیت ساکنان به‌ویژه زنان تأثیرگذارند. هم‌چنین محدوده مطالعاتی در زمینه خدمات محلی با کمبودهایی روبه‌روست (مهندسین مشاور باغ اندیشه، ۱۳۹۳: ۲۸-۵۲).



تصویر ۱. موقعیت محلات مخصوص و سلامت در منطقه ۱۱ شهر تهران (نگارنده، ۱۳۹۴).

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌گونه که در بخش روش تحقیق اشاره شد، به‌منظور آشنایی با مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی و خطرهای احتمالی در محدوده برای بانوان پس از مشاهدات میدانی، چندین جلسه بحث متمرکز گروهی با حضور بانوان محله‌های مخصوص و سلامت تشکیل شده است. برخی از مهم‌ترین عوامل ایجاد احساس ناامنی و ترس در بانوان این محدوده براساس نظرهای ارائه‌شده در جلسات بحث متمرکز گروهی به شرح زیرند:

۱. رواج اعتیاد در محدوده و خرید و فروش مواد مخدر به‌صورت علنی، به‌ویژه در پارک‌ها و ساختمان‌های نیمه‌کاره؛
۲. وجود خانه‌های تیمی؛
۳. کیف‌قاپی و دزدی؛

۹۸ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

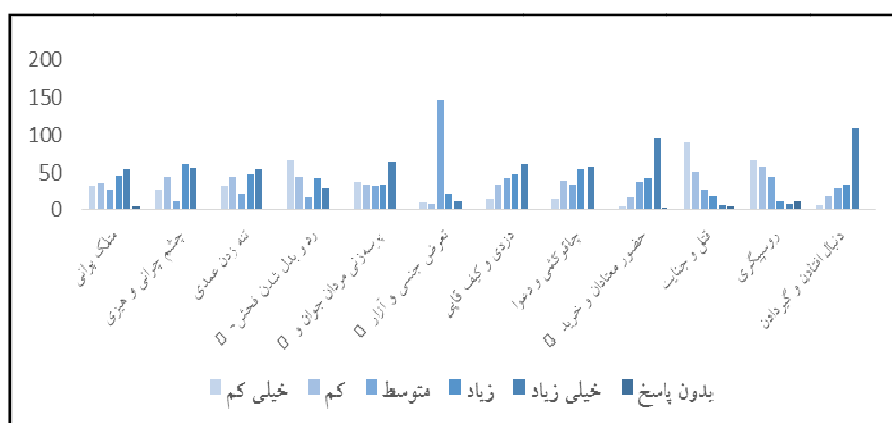
۴. زد و خورد و چاقوکشی؛
۵. پرسه‌زنی مردان و پسران جوان سر کوچه‌ها و طول مسیرها و تجمع پیرمردان در طول مسیرها؛
۶. آدم‌ربایی و به‌طور مشخص ربوده شدن زنان؛
۷. درک نکردن جایگاه و ارزش بانوان؛
۸. متلک‌پرانی و چشم‌چرانی؛
۹. آزارهای فیزیکی از جانب مردان.

همان‌طور که در بخش روش‌شناسی نیز اشاره شد، برپایه نظرات بانوان شرکت‌کننده در جلسات بحث متمرکز گروهی، پرسش‌نامه‌ای تهیه و تنظیم شده است که از طریق نظرسنجی از تعداد بیش‌تری از بانوان محله از تعمیم شتاب‌زده نتایج جلوگیری کرده است و افزون بر آن امکان کمی کردن نتایج و تجزیه و تحلیل آماری آن‌ها فراهم کرده است. جدول و نمودار ۲ فراوانی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی ایجادکننده احساس ترس از قربانی بزه شدن در بانوان محدوده مطالعاتی را نشان می‌دهند.

جدول ۱. فراوانی آسیب‌های اجتماعی ایجادکننده ترس از قربانی بزه شدن در بانوان محدوده مطالعاتی (نگارنده، ۱۳۹۳)

گزینه	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		بدون پاسخ		کل
	فراوانی	سهم	فراوانی	سهم	فراوانی	سهم	فراوانی	سهم	فراوانی	سهم	فراوانی	سهم	
متلک‌پرانی	۲۸	۱.۱٪	۳۳	۱.۱٪	۷۱	۲.۷٪	۸۸	۳.۱٪	۸۳	۳.۰٪	۵	۰.۲٪	۲۰۰
چشم‌چرانی و هیزی	۸۸	۳.۱٪	۳۳	۱.۱٪	۲۱	۰.۸٪	۱۱	۰.۴٪	۱۱	۰.۴٪	۱	۰.۰۳٪	۲۰۰
تنه زدن عمدی	۲۸	۱.۱٪	۳۳	۱.۱٪	۱۸	۰.۷٪	۱۱	۰.۴٪	۵۳	۲.۰٪	۰	۰.۰٪	۲۰۰
رد و بدل شدن فحش‌های رکیک	۱۶	۰.۶٪	۳۳	۱.۱٪	۲۱	۰.۸٪	۷۱	۲.۷٪	۳۳	۱.۱٪	۰	۰.۰٪	۲۰۰
پرسه‌زنی مردان جوان و پسران	۷۸	۳.۱٪	۳۳	۱.۱٪	۲۱	۰.۸٪	۱۱	۰.۴٪	۱۱	۰.۴٪	۰	۰.۰٪	۲۰۰

۰۰۱	۰۱	تعرض جنسی و آزار جسمی
۰۰۱	۵۱	دزدی و کیف‌قاپی
۰۰۱	۶۱	چاقوکشی و دعوا
۰۰۱	۵	حضور معنادان و خرید و فروش مواد مخدر
۰۰۱	۵۷	قتل و جنایت
۰۰۱	۶۶	روسپی‌گری
۰۰۱	۸	دنبال افتادن و گیر دادن



نمودار ۲. فراوانی آسیب‌های اجتماعی ایجادکننده ترس از قربانی بزه شدن در بانوان محدوده مطالعاتی (نگارنده، ۱۳۹۳).

برای تعیین این که بانوان در محدوده تا چه حد در معرض تجربه آسیب‌های اجتماعی و جرایم‌اند از آزمون t تک‌گروهی استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده (۶/۷۳۰) با درجه آزادی ۱۸۶ با حداقل ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که میان میانگین گروه نمونه در متغیر آسیب‌های اجتماعی با میانگین نظری تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به مقادیر این دو میانگین (جدول ۲) نتیجه گرفته می‌شود که زنان گروه نمونه بیش‌تر از حد متوسط در معرض تجربه آسیب‌های اجتماعی و جرایم قرار دارند.

۱۰۰ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

جدول ۲. خلاصه نتایج آزمون t تک گروهی - بانوان در محدوده مطالعاتی تا چه اندازه در معرض تجربه آسیب‌های اجتماعی و جرایم قرار دارند؟ (N = ۱۸۷) (نگارنده، ۱۳۹۳)

متغیر	میانگین نمونه	میانگین نظری	انحراف معیار	درجه آزادی	t	p
آسیب‌های اجتماعی و جرایم	۴۰/۶۵	۳۶	۹/۴۵	۱۸۶	۶۷۳۰	۰/۰۰۱

هم‌چنین به‌منظور سنجش رابطه ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات، نوع پوشش، قومیت، تجربه‌های پیشین بزه‌دیدگی، ویژگی شخصیتی به‌لحاظ اضطراب «نمره اضطراب تست کتل» و اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی) و ویژگی‌های اجتماعی (بی‌نظمی و بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی و فضایی، مشارکت اجتماعی، تنوع خرده‌فرهنگی، نظارت اجتماعی، و رضایت اجتماعی) با متغیر وابسته ترس بانوان از قربانی جرایم شدن از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است. از این روش در مواردی استفاده می‌شود که نیاز به بررسی رابطه بیش از یک متغیر مستقل با متغیر وابسته است و کارکرد اصلی این روش در پیش‌بینی تغییرات است. درحقیقت در تحلیل مد نظر چهارده متغیر نام‌برده به‌منزله متغیرهای پیش‌بین و متغیر ترس از جرم به‌منزله متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. براساس مدل رگرسیون، به‌منظور شناسایی و تعیین سهم هریک از متغیرهای پیش‌بین (مستقل) در پیش‌بینی متغیر ملاک (وابسته)، همراه با کنترل سهم سایر متغیرها، ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی متغیر وابسته به‌کار می‌رود. شرح تفصیلی محاسبات آماری انجام‌شده در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تجربه ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری براساس ویژگی‌های فردی (نگارنده، ۱۳۹۳)

پیش‌بینی‌کننده‌ها	متغیر وابسته: ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری		
	ضرایب استاندارد نشده (B)	ضرایب استاندارد شده (ضریب بتا)	Sig
عدد ثابت	۹/۱۶۰	-	۰/۰۷۵
سن	-۰/۰۲۱	-۰/۰۳۱	۰/۶۹۴
تحصیلات	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۳	۰/۶۴۵
نوع پوشش	-۰/۳۱۶	-۰/۲۰۳	۰/۰۳۷
قومیت	۰/۸۰۵	۰/۰۶۴	۰/۴۲۸
تجربه پیشین بزه‌دیدگی	۰/۳۵۷	۰/۴۸۴	۰/۰۰۱
ویژگی شخصیتی به‌لحاظ اضطراب (نمره اضطراب کل تست کتل)	۰/۳۳۴	۰/۲۳۴	۰/۰۴۸
اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی	-۰/۳۷۷	-۰/۲۱۱	۰/۰۱۲

$R^2 = ۰/۲۹۳$ ؛ $F = ۸/۱۹۹$ ؛ $R^2 = ۰/۳۳۱$ ؛ $R = ۰/۵۷۵$ ؛ ** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

شیده شکوری اصل ۱۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین (R^2) به‌دست آمده (۰/۳۳۱) بدین معنی است که ۳۳/۱ درصد از واریانس متغیر ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری از طریق هفت متغیر سن، تحصیلات، نوع پوشش، قومیت، تجربه‌های پیشین بزه‌دیدگی، ویژگی شخصیتی به‌لحاظ اضطراب (نمره اضطراب تست کتل)، و اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی، که ویژگی‌های فردی را بررسی می‌کنند، تبیین می‌شود. به‌عبارت دیگر، ۲۹/۳ درصد از پراکندگی مشاهده‌شده در متغیر تجربه ترس از جرم از طریق این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده‌شده (۰/۵۷۵) نیز مؤید آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. افزون بر این، نسبت F محاسبه‌شده (۸/۱۹۹) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار به‌دست آمده است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که از میان این هفت متغیر چهار متغیر تجربه پیشین بزه‌دیدگی، اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی، ویژگی شخصیتی به‌لحاظ اضطراب (نمره اضطراب تست کتل)، و نوع پوشش با ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری رابطه معنادار دارند. درنهایت معادله رگرسیون براساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

$$Y = 9/160 - 0/377 (\text{اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی}) + 0/316 (\text{نوع پوشش}) - 0/316 (\text{اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی}) + 0/334 (\text{پیشین بزه دیدگی}) + 0/357 (\text{ویژگی شخصیتی به لحاظ اضطراب})$$

$$Y = \text{میزان ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری}$$

هم‌چنین می‌توان از طریق ضرایب بتای به‌دست آمده درباره اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیش‌گویی متغیر وابسته است. میزان اهمیت نسبی چهار متغیر مربوط به ویژگی‌های فردی، که با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار دارند، با توجه به مقدار ضریب بتا به‌صورت زیر است:

۱. متغیر وابسته تجربه پیشین بزه‌دیدگی بیش‌ترین مقدار بتا را در میان ضرایب دیگر متغیرها دارد. بنابراین سهم بیش‌تری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش‌گویی متغیر وابسته ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به مقدار ضریب بتا و علامت مثبت آن در رابطه میان دو متغیر، یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود انحراف معیار متغیر وابسته (ترس بانوان از جرایم در فضای شهری) به اندازه ۰/۴۸۴ واحد تغییر کند؛

۲. از نظر بزرگ بودن مقدار بتا، متغیر ویژگی شخصیتی به‌لحاظ اضطراب، که براساس نمره اضطراب کل تست کتل سنجیده می‌شود، اهمیت دوم را با یک هم‌بستگی مثبت در

۱۰۲ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

پیش‌گویی متغیر وابسته دارد؛ به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود انحراف معیار متغیر ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری ۰/۲۳۴ واحد تغییر کند؛ ۳. دو متغیر بعدی با متغیر وابسته هم‌بستگی منفی داشته است و میزان سهم و نقششان در پیش‌گویی متغیر وابسته در مرتبه سوم و چهارم اهمیت است. با توجه به ضریب بتای به‌دست آمده از رابطه این متغیرها با متغیر وابسته، یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر اعتماد به عملکرد نیروی انتظامی باعث می‌شود ۰/۲۱۱ واحد و یک واحد تغییر در متغیر نوع پوشش باعث می‌شود ۰/۲۰۳ واحد متغیر ترس بانوان از جرم در فضاهای شهری تغییر کند.

جدول ۴. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تجربه ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری براساس ویژگی‌های اجتماعی (نگارنده، ۱۳۹۳)

متغیر وابسته: ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری				پیش‌بینی‌کننده‌ها
Sig	t	ضرایب استاندارد شده (ضریب بتا)	ضرایب استاندارد نشده (B)	
۰/۰۰۳	۲/۹۹۵**	-	۲۶/۲۸۴	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۳/۶۰۰**	۰/۲۷۲	۰/۳۴۲	بی‌سازمانی و بی‌نظمی اجتماعی
۰/۰۴۱	-۲/۶۲۲*	-۰/۲۴۷	-۰/۱۶۳	سرمایه اجتماعی
۰/۰۲۰	-۲/۳۶۱*	-۰/۱۹۷	-۰/۲۰۸	نظارت اجتماعی
۰/۲۸۱	۱/۰۸۳	۰/۰۸۸	۰/۰۹۷	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۳	۳/۰۲۰**	۰/۲۵۱	۵/۱۶۶	تنوع خرده‌فرهنگی
۰/۰۴۹	-۲/۱۱۳*	-۰/۱۸۰	-۰/۱۴۶	عدالت اجتماعی و فضایی
۰/۵۴۹	-۰/۶۰۰	-۰/۰۴۴	-۰/۰۹۳	رضایت اجتماعی

$$R=۰/۵۳۲; R^2=۰/۲۸۳; R^2 \text{ تعدیل شده} = ۰/۲۵۶; F=۶/۴۷۳$$

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین (R^2) به‌دست آمده (۰/۲۸۳) بدین معنی است که ۲۸/۳ درصد از واریانس متغیر ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری با هفت متغیر اجتماعی بی‌نظمی و بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی و فضایی، مشارکت اجتماعی، تنوع خرده‌فرهنگی، نظارت اجتماعی، و رضایت اجتماعی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۲۵/۶ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر تجربه ترس بانوان از جرم با این متغیرها توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۵۳۲) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر قابلیت پیش‌بینی را دارد.

شیده شکوری اصل ۱۰۳

افزون بر این، نسبت F محاسبه شده (۶/۴۷۳) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنادار به دست آمده است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می توان قضاوت کرد که از بین این متغیرها، پنج متغیر بی سازمانی و بی نظمی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی و فضایی، تنوع خرده فرهنگی و نظارت اجتماعی با متغیر ترس بانوان از جرم در فضاهای شهری رابطه معنادار دارند. در نهایت با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را براساس ضرایب رگرسیون استاندارد نشده به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = 26,284 + 0,166(\text{تنوع خرده فرهنگی}) + 0,342(\text{بی نظمی اجتماعی}) - 0,208(\text{نظارت اجتماعی}) - 0,163(\text{سرمایه اجتماعی}) - 0,146(\text{عدالت اجتماعی و میزان ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری} = Y \text{ فضایی})$$

میزان اهمیت نسبی پنج متغیر مربوط به ویژگی های اجتماعی که با متغیر ترس بانوان از جرم در فضاهای شهری رابطه معنی دار دارند، بر مبنای مقدار ضریب بتا به این قرار است:

۱. متغیر وابسته بی سازمانی و بی نظمی اجتماعی بیش ترین مقدار ضریب بتا را در میان ضرایب دیگر متغیرها دارد؛ بنابراین سهم بیش تری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش گویی متغیر وابسته به خود اختصاص می دهد. با توجه به مقدار ضریب بتا و علامت مثبت آن در رابطه میان دو متغیر وابسته و مستقل یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می شود انحراف معیار متغیر وابسته (ترس بانوان از جرائم در فضاهای شهری) به اندازه ۰/۲۷۲ واحد تغییر کند؛

۲. با توجه به ضریب بتا، متغیر تنوع خرده فرهنگی اهمیت دوم را با یک هم بستگی مثبت در پیش گویی متغیر وابسته دارد؛ به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می شود انحراف معیار متغیر ترس از جرم بانوان در فضاهای شهری ۰/۲۵۱ واحد تغییر کند؛

۳. متغیری که در مرتبه سوم اهمیت قرار می گیرد سرمایه اجتماعی است. این متغیر با متغیر مستقل هم بستگی منفی دارد که جهت رابطه بین آنها را به صورت معکوس نشان می دهد. مقدار ضریب بتا نیز نشان می دهد که با یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر ۰/۲۴۷ واحد انحراف معیار متغیر وابسته تغییر می کند؛

۴. دو متغیر نظارت اجتماعی و عدالت اجتماعی و فضایی که با متغیر وابسته هم بستگی منفی دارند و جهت معکوس را در رابطه دو متغیر وابسته و مستقل نشان می دهند میزان سهم و نقششان در پیش گویی متغیر وابسته در مرتبه چهارم یا پنجم اهمیت قرار دارد. از

۱۰۴ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

این رو با توجه به ضریب بتای به‌دست آمده از رابطه این متغیرها با متغیر وابسته، یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر نظارت اجتماعی باعث می‌شود ۰/۱۹۷ واحد و یک واحد تغییر در متغیر عدالت اجتماعی و فضایی باعث می‌شود ۰/۱۸۰ واحد، متغیر ترس بانوان از جرایم در فضاهای شهری تغییر کند.

۷. نتیجه‌گیری

زنان در محدوده محله‌های مخصوص و سلامت به‌شدت در معرض انواع آسیب‌ها قرار دارند و اظهار داشته‌اند که حضورشان در فضاهای عمومی محلشان همواره با ترس و اضطراب قربانی جرایم شدن همراه بوده است. در همین زمینه در پژوهش حاضر تلاش شده است به بررسی رابطه ویژگی‌های فردی و اجتماعی با احساس ترس از جرم در این محله‌ها پرداخته شود تا از این طریق زمینه برداشتن گام‌هایی در زمینه امن و ایمن ساختن این محله‌ها فراهم شود.

براساس نتایج حاصل از بررسی هم‌بستگی متغیرها مشخص شد که ترس بانوان از قربانی بزه شدن ارتباط مستقیم و معناداری با ویژگی‌های سن، تحصیلات، و قومیت ندارد؛ شاید دلیل این موضوع تأثیرگذاری چندوجهی این متغیرها بر مقوله ترس از جرم باشد که بنابراین این ویژگی‌ها نمی‌توانند برای پیش‌بینی میزان ترس از جرم در بانوان به‌کار گرفته شوند. هم‌چنین براساس نتایج به‌دست آمده، افرادی که دست‌کم یک‌بار شخصاً قربانی بزه شده‌اند و نیز افرادی که نمره اضطراب بالاتری بر اساس تست کتل دارند ترس و نگرانی بیشتری از قربانی جرایم شدن نشان داده‌اند. هم‌چنین مشخص شد بانوانی که به عملکرد نیروی انتظامی نگرش مثبت و اعتماد بالاتری دارند به نسبت بانوانی که اعتماد چندانی به عملکرد نیروی انتظامی ندارند در فضاهای شهری حضور آسوده‌تری را تجربه می‌کنند. گفتنی است بانوانی که سطح بالاتری از حجاب و پوشش اسلامی را در محدوده رعایت می‌کنند میزان ترس و اضطراب کم‌تری از قربانی بزه شدن را گزارش کرده‌اند.

در بعد اجتماعی، متغیرهای رضایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری را با ترس از جرم نشان نداده‌اند؛ بنابراین فرضیه‌ها مبنی بر رابطه معنادار این ویژگی‌ها با ترس از جرم در این پژوهش رد شده‌اند و این متغیرها نمی‌توانند برای پیش‌بینی میزان ترس از جرم بانوان به‌کار گرفته شوند. هم‌چنین براساس یافته‌های پژوهش مشخص شد که هرچه میزان بی‌نظمی و بی‌سازمانی در جامعه بیشتر باشد، ترس از جرم افزایش می‌یابد؛ زیرا بی‌نظمی‌های موجود این تصور را به‌وجود می‌آورند که حساسیت و نظارت چندانی بر

شیده شکوری اصل ۱۰۵

جامعه و فضا وجود ندارد و همین امر سبب می‌شود که مجرمان فضا را مستعد و مناسب رفتارهای مجرمانه بدانند که همین امر افزایش ناهنجاری‌ها و رفتارهای مجرمانه و به تبع آن افزایش ترس از جرم را به همراه خواهد داشت.

هم‌چنین مشخص شد که هرچه میزان نظارت اجتماعی در فضاهای شهری افزایش یابد، ترس از جرم کاهش می‌یابد؛ زیرا بانوان تصور می‌کنند چشمانی نظاره‌گر بزه‌کاران‌اند که خود این امر انگیزه ارتکاب به جرم و رفتارهای آنومیک را به طرز محسوسی کاهش می‌دهد. هم‌چنین نظارت اجتماعی بالاتر امکان دفاع از بانوان از طریق سایرین در مواقع بروز خطر را تقویت می‌کند. میزان سرمایه اجتماعی ویژگی دیگر اجتماع محلی است که رابطه معکوس و معناداری با ترس از جرم نشان داده است؛ بنابراین می‌توان بر افزایش سرمایه اجتماعی در قالب افزایش اعتماد، پیوند محله‌ای، و احساس تعلق خاطر به محدوده به‌منزله فرصت و راه‌کار مناسب برای کاهش رفتارهای مجرمانه و در نتیجه حضور همراه با امنیت خاطر بیش‌تر بانوان در فضاهای شهری تکیه کرد.

پژوهش حاضر هم‌چنین نشان داد که تنوع قومیتی و وجود خرده‌فرهنگ‌های مختلف با افزایش ترس از جرم همراه خواهد بود. شاید بتوان دلیل این امر را این‌گونه تبیین کرد که تنوع قومیتی در محله‌ها ممکن است با ایجاد تعارض ساختاری در محدوده، بی‌نظمی، و بی‌سازمانی اجتماعی را افزایش دهد و از سوی دیگر، به دلیل کاهش انسجام اجتماعی زمینه کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم آورد که هر دو این ویژگی‌ها فضای محله را برای ارتکاب به رفتارهای مجرمانه مستعدتر می‌کند. درنهایت، یافته‌های پژوهش حکایت از این دارد که با افزایش عدالت اجتماعی و فضایی، ترس از جرم کاهش یافته است. دلیل این موضوع را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که عدالت‌محور بودن اجتماع احساس اجحاف در افراد را کاهش داده است و همین امر باعث کاهش انگیزه‌های مادی و روانی رفتارهای مجرمانه خواهد بود.

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که درک ایمنی و امنیت زنان در محیط محله هم ابعاد رویه‌ای و هم ابعاد ماهوی را در بر می‌گیرد. در ابعاد رویه‌ای مؤلفه‌های فردی و ویژگی‌های جامعه محلی اهمیت به‌سزایی دارند. افزایش میزان سرمایه‌های اجتماعی در محله، تقویت پیوندهای محله‌ای و روابط همسایگی، تلاش در زمینه حفظ ساکنان اصیل بافت، ارتقا و حفظ سنت‌ها و شرایط فرهنگی محله، ارتقای کمی و کیفی حضور و نظارت نیروی انتظامی و سعی در افزایش اعتماد بانوان به عملکرد نیروی انتظامی از جمله راه‌کارهایی است که در بعد اجتماعی و رویه‌ای در زمینه افزایش سطح ایمنی و امنیت بانوان در محله راه‌گشایند. هم‌چنین کاهش سطح بی‌نظمی‌های اجتماعی و فیزیکی در

۱۰۶ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

محله و توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه سیاست‌های کلان دیگری اند که بهره‌گیری از آن‌ها فرصت تجربه حضور ایمن و همراه با لذت و پویایی را برای بانوان محله‌ها به ارمغان می‌آورند.

کتاب‌نامه

- احمدی، حبیب، علی عربی، و محبوبه صادق‌زاده تبریزی (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با ترس از جرم زنان و مردان: مطالعه موردی: زنان و مردان ساکن شهر کرج»، *فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی*، س ۶، ش ۱۸.
- استولارد، پل (۱۳۹۰). *پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی مسکن*، ترجمه سیدمناف هاشمی و سیدعلی حسین‌پور، ج ۱، تهران: طحان و هله.
- بنی‌فاطمه، حسین، محمد عباس‌زاده، و داوود فاطمی (۱۳۹۱). «بی‌سازمانی اجتماعی و بزه‌کاری نوجوانان پسر شهر زنجان»، *فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی*، س ۹، ش ۳۱.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل و سولماز چمنی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین شهروندان منطقه ۱۱ شهرداری تهران»، *فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی*، س ۹، ش ۱۱.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)*، تهران: سروش.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- سراج‌زاده، سیدحسین و اشرف گیلانی (۱۳۸۸). «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم: مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۹، ش ۳۴.
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی و سعد کرمانی (۱۳۹۲). «ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل»، *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، س ۴، ش ۲.
- صارمی، حمیدرضا (۱۳۸۹). «تحلیل نقش مسائل اجتماعی در ناامنی شهرها از دیدگاه اسلام»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی هویت شهر*، س ۴، ش ۶.
- صارمی، حمیدرضا و مسعود صارمی (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام»، *فصل‌نامه مدیریت شهری*، ش ۹.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). *ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن*، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی و معماری.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی (۱۳۸۵). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۶، ش ۲۲.
- کارگر، بهمن و رحیم سرور (۱۳۹۲). *شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی (با تأکید بر حاشیه جنوبی منطقه شهری تهران و اسلامشهر)*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

شیده شکوری اصل ۱۰۷

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری*، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹). *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی تهران.
- مهندسین مشاور باغ اندیشه (۱۳۹۳). *طرح نوسازی و به‌سازی بافت فرسوده محلات مخصوص و سلامت: گزارش دفتر خدمات نوسازی*، تهران: سازمان نوسازی شهر تهران.
- میرحسینی، زهرا (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸). *نظام اقتصاد اسلامی (اهداف و انگیزه‌ها)*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نصیری، معصومه (۱۳۸۲). «اعتیاد و رابطه آن با مشاغل شهری»، *فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۱۸، ش ۷۰.
- نورایی، همایون، منوچهر طیبیان، و ناصر رضایی (۱۳۹۲). «تحلیل امنیت در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی؛ نمونه موردی: محله خاک سفید تهران»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی هویت شهر*، س ۷، ش ۱۳.
- وارثی، حمیدرضا، صفر قائد رحمتی، و ایمان باستانی‌فر (۱۳۸۶). «بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان»، *مجله جغرافیا و توسعه*، س ۵، ش ۹.

- Barnez, R. J. (2006). *A Walk in the Park: Gendered Perceptions of Fear in Oz Park*, Chicago: University of Wisconsin.
- Buss, D. M., R. J. Larsen, D. Westen and J. Semmelroth (1992). "Sex differences in jealousy: Evolution, physiology and psychology", *Psychological Science*. Vol. 4, No. 3.
- Carmona, M., T. Health, Taner Oc. and S. Tiesdell (2003). *Public Places, Urban Spaces*, Architectural Press an imprint of Elsevier.
- Coleman, J.S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, Vol. 1, No. 94.
- Crank, John and Andrew Gia Comazzi (2003). "Fear of Crime in Nonurban Setting", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 3, No. 31.
- Faris, Robert E. (1948). *Social Disorganization*, New York: The Ronald Press Company.
- Ferraro, K. (1996). "Woman Fear of Victimization: Shadow of Sexual Assault?", *Social Forces*, Vol. 2, No. 75.
- Jagori (2010a). *Safe City Free of Violence against Women and Girls Initiative*, Delhi: A collaboration of the Department of Women and Child Development, Delhi Government. Jagori, Unifem and un Habitat.
- Jagori (2010b). *Understanding Women's Safety: Towards a Gender Inclusive City: research findings*, Delhi.
- Koskela, H. and R. Pain (2000). "Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built environment", *Geo forum*, Vol. 2, No. 31.

۱۰۸ ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)

- Lloyd, D. (1977). *The Idea of Law*, England: Penguin Books.
- Liska, A.E., A. Sanchirico and M.D. Reed (1988). "Fear of Crime and Constrained Behavior Specifying and Estimating a Reciprocal Effects Model", *Social Forces*, Vol. 3, No. 66.
- Lubuva, J. and A. Mtani (2004). *Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam Safety Audits for Women*, Tanzania: Dar es Sallam.
- Moser, C. (2004). "Urban Violence and Insecurity: An Introductory Roadmap", *Environment and Urbanization*, Vol. 2, No. 16.
- Pain, Rachel. (2000). "Place, Social relations and the fear of crime a review", *Progress in Human Geography*, Vol. 3, No. 24.
- Smith, S. S. (2005). "Don't Put My Name on it: Social Capital Activation and Job-Finding Assistance among the Black Urban Poor", *American Journal of Sociology (AJS)*, Vol. 1, No. 111.